

راهبردهای توسعه اشتغال در استان خراسان

دکتر محمد حسین مهدوی عادل^{*}

چکیده

انسان و سرمایه‌های انسانی در هر جامعه از مهمترین و مؤثرترین عوامل در تحقق توسعه در جهان امروز به‌شمار می‌رود و اصولاً نیروی انسانی زمانی به ثروتهای انسانی تبدیل می‌گردد که جامعه، زمینه فراگیری آموزشها و مهارتهای مختلاف را برای وی آماده نموده باشد. از طرف دیگر مهیا نمودن امکانات، برای کسب مهارتها و تخصصهای مختلف وسیله‌ای است در جهت جذب نیروی انسانی در فعالیتهای مختلف اقتصادی، صنعتی در جامعه. بیکاری خود سرمنشأ انحراف و سرخوردگی نسل جوان و بحرانهای اجتماعی و سیاسی در جامعه می‌باشد. با توجه به اهمیت مسأله بیکاری و از آن مهمتر، مسأله کارآفرینی و مسائل و عواملی را که می‌تواند انگیزه لازم در کارآفرینان استان و کشور ایجاد نماید به تفصیل تبیین نموده است. تحقیق کارآفرینی نیازمند تحولی اساسی و نگرش به اهمیت اشتغال در مقابل سایر مؤلفه‌های اقتصادی است. پرورش افراد به‌عنوان کارآفرین به‌جای کارجو از سنین کودکی مری است حیاتی که در این مقاله به آن توجه خاص گردیده است.

واژگان کلیدی

راهبرد، اشتغال، سرمایه‌های انسانی، فرصتهای شغلی، کارآفرین.

مقدمه

توجه به سرمایه انسانی از مهمترین عوامل توسعه در جهان امروز به‌شمار می‌رود (۱). نکته اساسی آن است که انسانها در صورتی به سرمایه انسانی تبدیل خواهند گردید که جامعه آموزشی لازم، سرمایه‌گذاریهایی زیرساختاری مورد نیاز و فضای مناسب جهت ایجاد انگیزه در

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد.

کارآفرینان را به وجود آورد، تا زمینه اشتغال فراهم شود.

اصولاً اشتغال افرادی که به سن کار می‌رسند یک الزام سیاسی - اجتماعی است، زیرا اشتغال فرد خود به نوعی معرف مجوز زندگی مستقل می‌باشد، و بیکاری می‌تواند به انحراف و سرخوردگی نسل جوان و بحرانهای اجتماعی و سیاسی خاصی منجر گردد. به همین علت هم با وجود آن که اقتصاددانان تأمین اشتغال کامل در کنار رشد مداوم اقتصادی، تثبیت سطح قیمتها و موازنه تراز پرداختها را اهداف چهارگانه اقتصادی بیان می‌کنند، اما به اتفاق اشتغال کامل را مهمترین آنها می‌دانند.

اشتغال نیز مانند بیشتر مسائل اقتصادی دارای دو بخش عرضه و تقاضاست. بخش عرضه ناشی از تحولات جمعیتی شامل: نرخ رشد جمعیت، مهاجرتها و سطح آموزش در جامعه می‌باشد. بخش تقاضا متأثر از میزان فعالیت و رشد بخشهای مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، صنعت و خدمات می‌باشد. مطالعه وضعیت گذشته اشتغال در استان خراسان بیانگر آن است که بین عرضه و تقاضای نیروی کار تعادل برقرار نگردیده و لذا بیکاری به صورت یک معضل عمده اقتصادی - اجتماعی ظاهر گردیده است.

به منظور بررسی وضعیت اشتغال در استان خراسان پژوهشی گسترده با حضور بیش از یکصد محقق و کارشناس صورت پذیرفت که مقاله حاضر خلاصه یافته‌های این پژوهش است.

روش تحقیق

روش انجام تحقیق تلفیقی است از روش کتابخانه‌ای (Desk-Research) و روش میدانی (Field-Research). براین اساس ابتدا مبانی نظری اشتغال از نظر اقتصاد کلان و رابطه اشتغال با تورم و حالت رکود تورمی مورد بررسی قرار گرفت و سپس با همکاری دستگاههای اجرایی استان ظرفیت و امکان بالقوه ایجاد اشتغال در هر بخش برآورد شد. در نهایت با استفاده از یک مدل برنامه‌ریزی خطی، محدودیت سرمایه مورد نیاز به عنوان عامل محدودکننده در مدل مورد استفاده قرار گرفت.

مبانی نظری مطالعه

نگرش اساسی در مطالعه آن بود که اگر چه محور پژوهش مسأله اشتغال است، اما سایر

عوامل اقتصادی نیز باید مورد توجه قرار گیرند، زیرا در غیر این صورت ممکن است در حال حاضر که مشکل بیکاری به وضع حادی رسیده با ارائه راه‌حلهای مقطعی و بدون در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های اقتصادی و با سرمایه‌گذاری، فرصتهای شغلی جدیدی ایجاد شود که به علل مختلف ناپایدار بوده و در آینده علاوه بر تشدید بحران بیکاری، باعث بحرانهای اقتصادی - اجتماعی نیز بشوند. بر این اساس چند مسأله مهم اقتصادی که با توجه به آنها باید مشکل اشتغال مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، مطرح شد:

- ۱- کاهش تصدی دولت و افزایش نقش مردم در اقتصاد و استفاده از امکانات ایجاد شده در بخش غیر دولتی و استفاده از کارآفرینان در جهت توسعه اقتصادی کشور
 - ۲- ضرورت کاهش نقش صادرات نفت خام در اقتصاد و تقویت صادرات غیر نفتی
 - ۳- افزایش رقابت و بهره‌وری در بخشهای اقتصادی کشور
 - ۴- توجه به وضعیت رکود تورمی (Stagflation) که در حال حاضر بر اقتصاد کشور سایه افکننده و اعمال سیاستهای مناسب به منظور مقابله با این پدیده
 - ۵- توجه به فرا رسیدن عصر فراصنعتی در جهان و اثرات آن بر اشتغال در آینده
- موارد فوق در این جا به صورت خلاصه تشریح می‌شود.

۱- کاهش تصدی دولت

در اقتصاد دولتی معمولاً دولتها به جای مردم تصمیم می‌گیرند و به وکالت از طرف مردم داراییهای آنها را اداره می‌کنند. بخشی از آن را به صورت یارانه به مردم منتقل می‌کنند و بخش دیگری را نیز به صورت سرمایه‌گذاری در بخشهای زیرساختاری مانند راه، ارتباطات، آموزش و غیره به مردم انتقال می‌دهند. به این طریق به جای مردم تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری و هزینه کرده و حق انتخاب را از مردم سلب می‌کنند. به بیان دیگر به پرداخت یارانه و در عوض پایین نگه داشتن درآمدها مردم را به سوی مصرف بیش از حد کالای یارانه‌ای و ترک کالاهای غیریارانه‌ای هدایت می‌کنند. از طرف دیگر به علت پایین بودن درآمدها، عملاً خانوارها قادر به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیستند، به عبارتی دولت به جای آنها این سرمایه‌گذاری را بر عهده گرفته است.

تجربه کشورهای مختلف نشان داده که در این نوع سرمایه‌گذاریها به علت تأثیر و غلبه مسائل

سیاسی بر مسائل اقتصادی تصمیم بهینه اقتصادی اتخاذ نمی‌گردد و باعث پایین آمدن بهره‌وری شده و به تدریج باعث کاهش درآمد سرانه و فقر نسبی بیشتر افراد جامعه در دراز مدت خواهد شد علل پایین بودن بهره‌وری بخش دولتی در پژوهشهای متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است که برخی از این علتها عبارتند از:

- بوروکراسی شدید دولت مانع اتخاذ تصمیمات سریع و به هنگام در نوآوری و سودآوری می‌شود.

- عدم حساسیت به نیازهای بازار و مصرف‌کنندگان، عدم استفاده بهینه از نیروی کار، عدم امکان ورشکستگی، وجود حالت انحصار، بی‌ثباتی در مدیریتها و کاهش انگیزه برای اخذ تصمیمهای راهبردی و درازمدت، تعقیب هدفهای چندگانه غالباً متناقض با یکدیگر. علاوه بر مسائل فوق، اصولاً افزایش تصدی دولت در مسائل مختلف باعث مشکلات دیگری نیز می‌شود که اهم آنها عبارتند از:

- زیان‌دهی واحدهای دولتی باعث کسری بودجه و فشارهای تورمی و عدم امکان پرداختن بهتر به وظایف حاکمیت دولت می‌شود.

- از آن جا که مدیران شرکتهای مدیران دولتی می‌باشند، از عنوان دولت برای گرفتن تسهیلات و بهره‌بری از سایر رانتهای استفاده نموده و در صورت تخطی و محاکمه آنها، دولت خود زیر سؤال می‌رود، حال آن که دولت بسیار راحت‌تر می‌تواند بر بخش خصوصی نظارت داشته و در صورت تخطی مدیران این بخش باعث تقویت دولت گردد.

- دولت به علت الزام به تأمین مالی شرکتهای دولتی، سیاستهای پولی نامناسبی اتخاذ می‌کند و شرکتهای دولتی نیز با مستهلک کردن منابع پولی دولت، اجازه استفاده بخش خصوصی از این تسهیلات را به شدت کاهش می‌دهند.

- بخش خصوصی فرصتی برای به کارگیری خلاقیتها و نوآوریها و کارآفرینی خود نمی‌یابد و از سرمایه‌هایش نیز نمی‌تواند به طور مؤثر استفاده کند. لذا باعث فرار مغزها و سرمایه‌ها به خارج شده و یا در داخل وارد بخشهای غیر رسمی و غیر قانونی شده، باعث ایجاد تورم و نابسامانی اقتصاد می‌گردد.

همچنین در اقتصاد دولتی معمولاً رانت جایگزین سود می‌شود و افراد و شرکتهای به جای به کار انداختن خلاقیت و استعدادها برای کسب سود بیشتر، به دنبال کسب امتیازاتی ویژه مانند مجوز

واردات، استفاده از ارز دولتی، تسهیلات ارزان قیمت و سایر موارد برمی آید، که در نهایت باعث تخصیص نیافتن بهینه منابع می شوند. اما اگر بازار کارایی لازم را پیدا کند و سود جایگزین رانت شده و بخش خصوصی جایگزین بخش دولتی شود، تجربه سایر کشورها نشان داده که معمولاً منابع بهتر تخصیص یافته و ارزش افزوده بیشتری ایجاد می شود. این ارزش افزوده باعث رشد اقتصادی و افزایش توان سرمایه گذاری و ایجاد ظرفیتهای جدید و در نتیجه باعث ایجاد اشتغال مفید در جامعه خواهد شد.

۲- ضرورت جهش صادرات غیر نفتی و کاهش نقش نفت در اقتصاد

اصولاً کشورهای تک محصولی با مشکلات متعددی از جمله آسیب پذیری در مقابل نوسانات قیمت محصول خود در بازارهای جهانی مواجه می باشند. کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی باعث وارد شدن شوکهای شدیدی به اقتصاد کشور شده، و به علت کاهش درآمدهای ارزی به برنامه های توسعه صدمه می زند.

بهترین شیوه مقابله با این پدیده تنوع بخشیدن به صادرات است که این مهم در کشور دست کم از برنامه اول توسعه مورد بحث بوده و آمار نشان می دهد که در دوره زمانی ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ سیر صعودی داشته و از یک میلیارد دلار در سال ۶۷ به بیش از ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ رسیده است، اما از سال ۱۳۷۴ با اعمال سیاستهای کنترلی کاهش یافته و در سال ۱۳۷۷ به کمتر از ۳ میلیارد دلار رسیده است.

نکته حائز اهمیت آن است که در این مدت ارزش هر کیلوگرم کالای صادراتی نیز کاهش یافته و از ۸۵ سنت برای هر کیلوگرم در سال ۱۳۶۷ به ۳۳ سنت برای هر کیلوگرم در سال ۱۳۷۷ تنزل یافته و در همین دوره سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص ملی نیز روندی کاهشی داشته و سهم صادرات (شامل نفت) از ۱۸٪ به ۱۶/۶٪ کاهش یافته است. در جهان صادرات کشورها به طور متوسط در دهه ۱۳۷۰، ۶٪ افزایش داشته اند (۴).

در ایران این رقم ۱/۵۲٪ بوده که با توجه به کاهش منابع در قیمتهای نسبی نفت در صورت عدم توجه به صادرات غیر نفتی، رشد صادرات کشور منفی خواهد بود که این وضع برای کشور زیان بار می باشد. با توجه به این مسأله ایجاد اشتغال در بخشهای صادرات غیر نفتی حائز اهمیت فراوان است. راه یابی به بازارهای جدید و رونق بخشیدن به صنعت گردشگری علاوه بر تأثیر

مستقیم در افزایش صادرات، باعث ایجاد فرصتهای شغلی می‌شود که آن نیز به نوبه خود باعث افزایش صادرات می‌گردد.

۳- افزایش بهره‌وری

پایین بودن بهره‌وری یکی از مشکلات عمده اقتصادی ایران است. در مطالعه‌ای مقایسه‌ای ایران در بین ۵۸ کشور مقام آخر قرار گرفته. دوره مطالعه فوق بین سالهای ۱۳۴۴ - ۱۳۶۹ بوده که در این دوره ۲۵ ساله در ۵۸ کشور بهره‌وری به طور متوسط سالانه ۷/۲٪ افزایش داشته در حالی که در ایران بهره‌وری سالانه ۲/۵۷٪ کاهش داشته است. این مسأله باعث شده تا درآمد سرانه ایران در این دوره تقریباً بدون تغییر باقی مانده و ایران از این نظر در مقام ۵۲ قرار گیرد.

این وضعیت مبین آن است که مشکل اصلی اقتصاد ایران بیش از مسأله سرمایه‌گذاری، مشکل بهره‌وری است. بهره‌وری پایین باعث شده تا فروش حدود ۹۰۰ میلیارد دلار نفت به قیمت ثابت ۱۳۷۵ در سی سال گذشته و تزریق آن به اقتصاد، درآمد سرانه نسبت به بسیاری از کشورها پایین بیاید. سی سال پیش درآمد سرانه ایران دو برابر کره جنوبی و سنگاپور بود، اما امروزه درآمد کره جنوبی و سنگاپور به ترتیب حدود ۳ و ۵ برابر ایران می‌باشد (۶).

به این ترتیب مشاهده می‌شود که بدون حل مسأله بهره‌وری در ایران هیچ گونه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی نمی‌تواند روند نزولی اقتصاد ایران را متوقف ساخته و وام خارجی نیز در این حالت فقط باعث افزایش بدهیهای خارجی و ایجاد مشکلات جدیدی خواهد شد. مسأله سرمایه به تنهایی نمی‌تواند رشد اقتصادی کشور را تضمین کند و توجه به سرمایه‌انسانی و تغییر ساختار مدیریتی به منظور افزایش بهره‌وری اهمیت به سزایی دارد. اگر چه دولت در دوره پس از انقلاب به خصوص در سالهای ۶۵ تا ۷۵ روی نیروی انسانی سرمایه‌گذاری عظیمی نموده و در این دوره دانش‌آموزان دوره ابتدایی و متوسطه از افراد واجد شرایط سنی از ۶۰٪ در سال ۱۳۶۵ به ۷۵٪ در سال ۱۳۷۵ رسیده است و تعداد دانشجویان از ۱۷۰ هزار نفر به حدود یک میلیون افزایش یافته است، اما بهره‌وری و درآمد سرانه متناسب با این سرمایه‌گذاری افزایش نداشته است.

در مطالعه‌ای توسط جمیسون ولا (۱۷) (۱۹۹۰) نشان داده شده است که تأثیر بالا رفتن سطح سواد در رشد اقتصادی کشورهای شرق آسیا مثبت و در رشد اقتصادی کشورهای منطقه جنوب آسیا منفی بوده است. به بیان دیگر در بعضی کشورها سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی نه تنها باعث

رشد اقتصادی بیشتر نمی‌شود، بلکه به کاهش هر چه بیشتر آن نیز منجر می‌گردد. ظهور پدیده جدیدی به نام ارتش بیکاران تحصیل کرده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، بیانگر آن است که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی نیز مانند هر سرمایه‌گذاری دیگری می‌تواند فاقد کارایی لازم بوده و از نظر اقتصادی توجیه نداشته باشند.

در مطالعه‌ای توسط لوین و رات (۱۸) (۱۹۷۷) رابطه مکملی بین صادرات و سرمایه انسانی در رشد اقتصادی مشاهده شده است. آنها نشان داده‌اند که بهره‌وری بخش صادرات ۸۹٪ بیش از بخش غیر صادراتی است. به بیان دیگر تحصيلات در صورتی به رشد اقتصادی کمک می‌کند که اولاً افراد تحصیل کرده آموزشهای مناسب و مورد نیاز را فراگیرند و ثانیاً در حد توان و ظرفیت گرفته شوند. سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی هنگامی به رشد اقتصادی بیشتر می‌انجامد که در پاسخ به نیازهای روزافزون صنعت برای استفاده از آخرین دستاوردهای علمی در تولید صورت گرفته باشد. اما اگر واحدهای صنعتی اصولاً در معرض رقابت (چه داخلی و چه خارجی) قرار نگیرند، نیازی به تلاش برای اصلاح در به‌کارگیری آخرین روشهای تولید احساس نمی‌کنند و بدون چنین هزینه‌هایی نیز می‌توانند به بقای خود ادامه دهند. حال اگر در چنین محیطی عرضه نیروی کار تحصیل کرده به دلیل سرمایه‌گذاری دولت، بیش از نیاز صنعت و سایر بخشها باشد، تنها بخشی از این نیرو جذب صنایع و سایر بخشها می‌شود و بخش عظیمی از این ظرفیت ایجاد شده بدون استفاده باقی خواهد ماند.

۴- توجه به وضعیت رکود و تورمی (Stagflation) حاکم بر اقتصاد و اعمال سیاستهای اشتغال‌زایی:

پدیده رکود تورمی شرایط خاصی در اقتصاد و پدیده‌ای نسبتاً جدید در اقتصاد جهان می‌باشد که ابتدا در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا و سپس در دهه ۱۹۷۰ همزمان با شوک نفتی ۱۹۷۳ به صورت عارضه‌ای جدید در اقتصاد ظاهر شد. ابتدا اقتصاددانان در برابر از هم پاشیدگی فرضیه‌های اقتصاد کلاسیک و تئوریهای کینز و نظریه‌های مقداری پول دچار آشفتگی شده بودند و هیچ کس راه درمان این بیماری جدید اقتصاد را نمی‌دانست.

اما امروزه پس از تحقیقات و ارائه مقالات متعدد در این باره، نظریات ارائه شده انسجام بیشتری یافته است. اگر چه بیشتر اقتصاددانان کشور معتقدند که وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور رکود - تورمی است، زیرا از یک طرف نرخ بیکاری در کشور بالاست و از طرف دیگر تولیدات

بخش قابل توجهی از صنایع کشور از قبیل نساجی، سیمان و غیره با کمبود شدید تقاضا مواجهند، به طوری که تعداد زیادی از واحدهای نساجی در معرض ورشکستگی قرار گرفته و صنایع سیمان در حد بسیار پایین تری از ظرفیت اسمی خود کار می کنند، که چنین وضعیتی باعث ایجاد هزینه های بالایی برای سرمایه گذاری در کشور شده، ضمن آن باعث افزایش بیکاری نیز می شود. علاوه بر این در اقتصاد ایران مشکلات ساختاری باعث کاهش ناپذیری تولید در بخشهایی که کالای ضروری تولید می کنند، می گردد. کاهش ناپذیری عرضه در بخش کالاهای کشاورزی و خوراکی را می توان از جمله این مشکلات عنوان کرد. درآمد سرانه کشور هنوز در سطح پایینی قرار دارد و این کالاها از کاهش درآمدی بالایی برخوردارند و از طرفی رشد بالای جمعیت تقاضا برای این گروه از کالاها را افزایش داده، در نتیجه بین عرضه و تقاضا عدم تعادل به وجود آمده و موجب بروز تورم پایدار در این بخش گردیده و به سایر بخشها نیز سرایت کرده است.

در مقابله با رکود تورمی قاعدتاً باید رکود به رونق و تورم به وضع تعادلی قیمتها تبدیل شود. اما رسیدن به چنین وضعی کار ساده ای نیست، چرا که در این حالت با شرایطی شبیه دایره منحوسه فقر و توسعه نیافتگی اقتصادی میردال (۷) مواجه هستیم. یعنی رکود بر تورم می افزاید و تورم بر رکود. به ناچار باید راهی به درون آنها پیدا کرد. برای رسیدن به این هدف باید ترکیب مطلوبی از این عوامل انتخاب کرد که بهترین جواب ممکن به رفع هر دو مشکل رکود و بیکاری از یک طرف و تورم از طرف دیگر را بدهد.

طبیعی است که برای ایجاد تحرک اقتصادی و خروج از رکود مزمن، نیاز به تزریق پول به صنایع و سایر بخشهای تولیدی و به کارگیری نیروهای جدید است. در این راه ایجاد تورم موقت اما کنترل شده، حتی در مقیاسی بالاتر از سطح فعلی را به ناچار باید پذیرفت، مشروط به این که اطمینان حاصل شود که مهار تورم از دست رها نمی شود. اما به نظر می رسد که بروز نرخهای بالای تورم در سالهای اخیر در سیستم اقتصادی کشور، سیاست گذاران اقتصادی کشور را قانع کرده است که دشمن شماره یک اقتصاد تورم است و نه بیکاری، لذا آنها هم هدف اولیه خود را کنترل و مهار تورم قرار داده اند. این مسأله موجب شد تا به مهمترین هدف سیاستهای کلان اقتصادی یعنی اشتغال کمتر توجه شود. نتیجه چنین عدم توجهی بالا بودن نرخ بیکاری به خصوص در سالهای اخیر می باشد. نکته مهم آن است که کشوری که به علت بالا بودن نرخ رشد، از جمعیت جوان نسبتاً بالایی که بیشتر آنها نیز به سن اشتغال رسیده اند برخوردار است، نرخ بالای بیکاری می تواند

بسیار خطرناکتر از نرخ بالای تورم باشد.

آثار مخرب تورم بر توزیع درآمد، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بر کسی پوشیده نیست اما به نظر می‌آید اگر قرار باشد بین دو پدیده بد و بدتر (تورم و بیکاری) یکی انتخاب شود، کاهش بیکاری که در وضعیت رکود تورمی نهایتاً منجر به کاهش تورم نیز خواهد شد، باید محور سیاستهای اقتصادی قرار گیرد.

۵- توجه به گذر جهان از عصر صنعتی به عصر فراصنعتی

در اوایل دهه ۱۹۸۰ در کشورهای صنعتی انقلابی رخ داد به نام انقلاب فراصنعتی (۷). این انقلاب که با گسترش کاربرد رایانه‌ها و ماهواره‌ها و پیدایش عصر اطلاعات همراه بود، تغییرات زیادی در عرصه زندگی بشر به دنبال آورد و باعث شد تا روند کاهش اشتغال در بخشهای کشاورزی و افزایش اشتغال در بخش خدمات تسریع شود. به عنوان مثال در انگلیس سهم صنعت در GDP ۱۷٪ کاهش یافته و سهم بخش کشاورزی نیز تنها ۳٪ می‌باشد و ۸۰٪ به بخش خدمات تعلق دارد. سهم اشتغال بخشهای مختلف نیز از همین روند پیروی کرده است. این مسأله باعث شده تا امروزه در کشورهای صنعتی مهمترین موضوع تحقیقات علوم انسانی مسأله آینده اشتغال باشد. قدر مسلم آن است که تغییرات اساسی در سیستم اشتغال در عصر فراصنعتی به عنوان چالش جدید مطرح شد که اگر به آن توجه نشود، ممکن است تعداد بیکاران در جوامع به شدت افزایش یابد. در عصر فراصنعتی بسیاری از مشاغل صنعتی غیر قابل ادامه خواهند بود و شکل و ماهیت آنها تغییر خواهد یافت، همان گونه که امروزه در کشورهای صنعتی شاهد بسیاری از این تغییرات هستیم. از آن جا که کشورها نیز متأثر از این تحولات در سطح جهان خواهد بود، لذا آینده اشتغال در جامعه فراصنعتی باید به صورت یک طرح عمده تحقیقاتی مورد بررسی قرار گیرد.

در عصر فراصنعتی برخلاف جامعه صنعتی که ساعات کار منظم از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر می‌باشد، ساعات کار انعطاف پذیر بوده و بیشتر کارها در کارگاههای کوچک، اما با فن آوریهای پیشرفته و یا در خانه انجام خواهد شد. حتی آموزش نیز عمدتاً به صورت آموزش از راه دور و در منازل انجام خواهد شد. بسیاری از محصولات نیز با استفاده از فن آوریهای عصر فراصنعتی در خانه تولید خواهد شد. به عنوان مثال با استفاده از بیوتکنولوژی، در یک فضای کوچک به میزان قابل توجهی محصول کشاورزی تولید خواهد شد. یا با استفاده از طراحی به کمک رایانه، (CAD) و

تولید به کمک رایانه، (CAM) روشهای مناسبی برای تولید بسیاری از محصولات در خانه و یا در کارگاههای کوچک ایجاد خواهد شد. بسیاری از محصولات مانند دوچرخه، یخچال، رایانه و غیره به جای آن که به صورت محصول تمام شده در فروشگاهها ارائه شوند، به صورت قطعات منفصله (CKD) در منازل تحویل خواهند شد تا پس از اجرای دستورالعمل همراه آن به صورت محصول تمام شده در آیند. نوبتهای کاری از ۸ ساعت به ۶ یا ۴ ساعت کاهش خواهد یافت که این خود باعث افزایش اوقات فراغت و گسترش صنایع که مخصوص اوقات فراغت مانند تفریحات سالم، صنعت گردشگری و غیره است، خواهد شد (۸).

بدین ترتیب تعریف جدیدی از اشتغال به دست خواهد آمد که امروز باید نظام برنامه‌ریزی کشور آمادگی نسبی برای فرارسیدن این عصر را ایجاد کند.

در این تحقیق سعی شده تا حد ممکن ایجاد اشتغال با در نظر گرفتن شرایط و مسائل مطرح شده فوق صورت پذیرد.

عرضه و تقاضای نیروی کار

بازار کار نیز مانند هر بازار دیگری از دو بخش عرضه و تقاضا تشکیل شده است. چگونگی رابطه بین عرضه و تقاضا تعیین کننده سطح اشتغال و نرخ دستمزد در یک اقتصاد مبتنی بر بازار رقابت کامل است. چنانچه عرضه نیروی کار را مجموع افرادی که شاغلند و افراد جویای کار، تعریف کنیم تغییرات آن تحت تأثیر چند عامل اصلی قرار دارد. اولین عامل مؤثر بر عرضه نیروی کار در یک جامعه رشد جمعیت است. مسلماً آنچه بیش از رشد جمعیت در عرضه نیروی کار مؤثر است، نرخ رشد جمعیت ده ساله و بالاتر می‌باشد که خود متأثر از نرخ رشد جمعیت سالهای گذشته می‌باشد. بدین صورت اثرات نرخ رشد بالای جمعیت در دهه ۱۳۶۰ در شرایط حاضر به صورت نیروی جویای کار نمودار می‌شود. عامل بعدی خالص مهاجرت می‌باشد و سومین عامل که کیفیت عرضه نیروی کار را تعیین می‌کند گسترش آموزشهای کلاسیک و فنی و حرفه‌ای و مدت زمان این آموزشهاست.

گسترش آموزشهای کلاسیک علاوه بر این که بر ترکیب تخصص عرضه نیروی کار تأثیر می‌گذارد بر میزان جمعیت فعال یک جامعه و از این طریق بر نرخ مشارکت نیز تأثیرگذار خواهد بود. البته نرخ مشارکت به عوامل دیگری از قبیل تأهل، میزان مشارکت زنان در جامعه و نقش آنان

در امور جامعه، رونق و رکود اقتصادی نیز بستگی دارد. بر این اساس درباره تحولات جمعیتی پژوهشی گسترده انجام پذیرفت و از جهات متفاوتی مورد بحث قرار گرفت که به منظور رعایت اختصار چند جدول از پژوهش در این جا ارائه شده و محققان به اصل پژوهش ارجاع داده می‌شوند (۹)

جدول (۱) تحول جمعیت استان

سال	جمعیت (هزار نفر)	متوسط رشد سالانه (درصد)
۱۳۵۵	۳۲۶۴	---
۱۳۶۵	۵۲۸۱	۴/۹
۱۳۷۰	۶۰۱۳	۲/۶
۱۳۷۵	۶۰۴۸	۰/۱
۱۳۸۵	۷۲۸۱	۱/۸

مأخذ: طرح اشتغالهای زود بازده و مولد در استان خراسان (۹)

همان گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود جمعیت استان خراسان در دوره بیست‌ساله ۱۳۵۵-۷۵ با تغییرات چشمگیری در ابعاد مختلف مواجه بوده که به دو دوره ۵۵-۶۵ و ۶۵-۷۵ قابل تقسیم است. در دوره ۵۵-۶۵ جمعیت استان به رقم ۵/۲۸۱/۰۰۰ نفر رسد، یعنی رشدی معادل ۴/۹ درصد. این افزایش چشمگیر معلول چند عامل اصلی از قبیل: کاهش نرخ مرگ و میر، افزایش نرخ زاد و ولد در اثر پیروزی انقلاب اسلامی و باورهای مذهبی مردم در این رابطه و عدم توجه سیاست‌گذاران مسائل جمعیتی کشور به خطر رشد بالای جمعیت، بروز جنگ تحمیلی و دور بودن استان از صحنه مستقیم جنگ، که باعث مهاجرت از استانهای جنگ‌زده کشور به این استان شد و مهاجرت میلیونی آوارگان افغانی در اثر مسائل افغانستان بود. اگر به تحولات فوق نرخ جریان معمول مهاجرت خالص مثبت اما محدود استان را نیز اضافه کنیم پیش‌بینی می‌شود جمعیت استان در سال ۱۳۸۵ با متوسط رشد سالانه ۱/۸ درصد به ۷/۲۸۱/۰۰۰ نفر برسد.

جدول (۲) تحول جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر استان

سال	جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر (هزار نفر)	متوسط رشد سالانه (درصد)	درصد از کل جمعیت
۱۳۵۵	۲۲۱۲	---	۶۷/۸
۱۳۶۵	۳۴۳۴	۴/۴	۶۵/۰
۱۳۷۰	۴۰۶۴	۳/۴	۹۷/۶
۱۳۷۵	۴۴۷۳	۱/۹	۷۴/۰
۱۳۸۵	۵۷۵۳	۲/۵	۷۹/۰

مأخذ: طرح اشتغالهای زود بازده و مولد در استان خراسان

جدول (۲) عرضه نیروی کار یا جمعیت ۱۰ ساله به بالا در ساختار جمعیتی استان را نشان می‌دهد. نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر از ۶۷/۸ درصد در سال ۵۵ به ۷۴ درصد در سال ۷۵ افزایش یافته و اگر زاد و ولدهای بالای دهه ۱۳۶۰ را که اکنون به سن ده سالگی و بالاتر رسیده‌اند در نظر بگیریم، پیش‌بینی می‌شود در سال ۸۵ به حدود ۷۹٪ کل جمعیت استان برسد. اگر با روند دوره ۶۵-۷۵ حرکت شود باز هم حدود ۳۵۶ هزار نفر بیکار که نرخ آن معادل ۱۶/۲ درصد است در استان وجود خواهد داشت که تصویر زیاد مناسبی نخواهد بود. لذا مطالعه بخش تقاضا و این که چگونه می‌توان این مسأله را با فعال نمودن بخش تقاضا بهبود بخشید، اهمیت فراوانی یافته و مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام گرفت که خلاصه آن به شرح زیر است:

جدول (۳) وضعیت اشتغال و بیکاری در بازار کار استان در سال ۱۳۸۵ (هزار نفر)

گزینه	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	تعداد بیکاران	نرخ بیکاری	افزایش سالانه فرصتهای شغلی
حفظ فرصتهای شغلی موجود و عدم ایجاد فرصتهای جدید تا سال ۱۳۸۵	۲۱۹۵	۱۵۴۴	۶۵۱	۲۹/۷	---
استمرار روند اشتغالزایی سالهای ۱۳۶۵-۷۵ تا سال ۱۳۸۵	۲۱۹۵	۱۹۱۲	۲۸۳	۱۲/۹	۳۶/۸
افزایش فرصتهای شغلی معادل دوره ۶۵-۷۵ در دوره ۷۵-۸۵	۲۱۹۵	۱۸۳۹	۳۵۶	۱۶/۲	۲۹/۵
تعداد بیکاران تا سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۷۵ ثابت ماند	۲۱۹۵	۲۰۸۰	۱۱۵	۵/۲	۵۳/۶
تعداد بیکاران تا سال ۸۵ نسبت به سال ۷۵ ثابت ماند	۲۱۹۵	۲۰۴۴	۱۵۱	۶/۹	۵۰/۰

مأخذ: طرح اشتغالیهای زود بازده و مولد در استان خراسان

بخش تقاضای نیروی کار

همان گونه که ذکر شد، تقاضای نیروی کار عمدتاً متأثر از فعالیت بخشهای مختلف اقتصادی، میزان سرمایه گذاری و رشد آن فعالیتها و درجه استفاده از فن آوریهای کاربر به جای سرمایه بر می باشد. اصولاً فعالیتهای اقتصادی به سه بخش عمده کشاورزی، صنعت و خدمات تقسیم می شود. به منظور کاهش سطح بیکاری استان در آینده به حدود ۲٪ در پنج سال آینده به قریب ۳۵۰۰۰۰ شغل یا سالانه حدود ۷۰۰۰۰ شغل نیاز است. به منظور بررسی امکان تحقق این مسأله و انجام تحقیقات میدانی از دستگاههای استان خواسته شد امکانات ایجاد شغل خود و سرمایه مورد نیاز برای هر شغل را ارائه دهند. بر این اساس و با تعدیل پیش بینیها مشخص شد که اگر سرمایه مورد نیاز در دسترس باشد، بخشهای مختلف استان امکان ایجاد بیش از ۳۹۰ هزار شغل در قالب ۶۲ فعالیت در بخشهای مختلف را دارند. برای تعیین میزان مطلوب اشتغال در بخشها و فعالیتهای گوناگون اقتصادی از یک مدل برنامه ریزی خطی استفاده شد. از آن جا که محدودیت سرمایه برای ایجاد اشتغال جدی ترین بحث است، لذا حداقل سرمایه مورد نیاز برای این مشاغل به عنوان

هدف مدل انتخاب شد. نتایج این کار بر اساس بخشهای مختلف در جدول (۴) ذکر شده است. همان طور که در جدول نشان داده شده رقمی معادل ۷۴۶ میلیارد تومان سرمایه برای ایجاد شغل در بخشها و فعالیتهای یاد شده مورد نیاز است.

جدول (۴)

ردیف	نام حوزه/بخش	مجموع شغل‌های قابل ایجاد با ظرفیت (نفر)	مجموع تعداد مطلوب شغل‌های (جواب مدل (نفر)	کل هزینه مورد نیاز برای ایجاد تعداد مطلوب شغلها (میلیون ریال)
۱	معادن	۳۰۸۳۰	۶۲۰۰	۱۰۱۷۷۳
۲	حوزه تحت پوشش سازمان کشاورزی استان خراسان	۴۳۲۰۸	۴۲۹۴۸	۱۱۹۷۸۵۰/۲
۳	حوزه تحت پوشش سازمان جهاد سازندگی استان خراسان	۶۱۹۵۷	۶۰۸۳۷	۶۵۳۲۱۳/۷
۴	حوزه تحت پوشش صنایع دستی استان خراسان	۵۲۱۳۳	۵۲۱۳۳	۵۵۰۹۴/۷۸
۵	حوزه تحت پوشش اداره کل صنایع استان	۶۷۱۱۳	۴۷۲۸۶	۲۰۶۳۵۹۷/۸۶۹
۶	خدمات	۱۰۵۵۹۶	۱۰۵۵۹۶	۲۶۱۲۹۵۱/۱۷
۷	ساختمان	۳۵۰۰۰	۳۵۰۰۰	۷۸۲۹۵۰
۸	جمع کل	۳۹۵۸۳۷	۳۵۰۰۰۰	۷۴۶۰۰۰۰

تجزیه و تحلیل نتایج مدل

همان گونه که در جدول (۴) نشان داده شده، در بخش معادن به علت گرانی بسیاری از شغلها رقم ۶۲۰۰ در بخش اکتشافات آمده است. ضرورت انجام بسیاری از فعالیتهای در قبل و بعد از مرحله بهره‌برداری از معادن باعث شده تا این بخش از اقتصاد کشور در قرار گرفتن ایران در ردیف ده کشور اول تولیدکننده مواد معدنی جهان، با موانع متعددی در مسیر توسعه مواجه شود. وجود ریسک بالا در فعالیتهای معدنی در مقایسه با فعالیت در سایر رشته‌های اقتصادی، بازده دیرتر سرمایه‌گذارها، منحصر بودن صنایع و فن‌آوری مورد استفاده در معادن، مشکلات تأمین نیروی

انسانی ماهر و کارآزموده مورد نیاز این رشته فعالیت به علت سختی کار، دور بودن معادن از مراکز شهری، فقدان امکانات رفاهی و ارتباطاتی از جمله این موانع می‌باشد.

آنچه در مدل اشتغال مانع افزایش تعداد شغلها در این بخش شده مربوط به سرمایه‌گذاری بالای مورد نیاز برای ایجاد هر شغل می‌باشد. رقم متوسط برای ایجاد هر فرصت شغلی، ۱۲۰ میلیون ریال برآورد شده در حالی که در بخش صنایع معدنی سرمایه‌گذاری مورد نیاز بالاتر از این رقم بوده و معادل ۳۵۲ میلیون ریال به ازای هر شغل برآورد شده است. اما اگر سرمایه‌گذاری در بخش معدنی با سایر بخشها در قالب یک زنجیر به هم پیوسته و با در نظر گرفتن روابط متقابل بخشهای مختلف مطرح باشد، به علت ایجاد حجم بالای اشتغال غیر مستقیم در صنایع و فعالیتهای معدنی که بالغ بر ۵ تا ۶ برابر میزان اشتغال مستقیم در این بخش است، با توجه به این که سهم صادرات در این بخش نیز بالاست، لذا سرمایه‌گذاری در آن با اهمیت تر می‌باشد. هزینه ۶۲۰۰ شغل ایجاد شده در مدل، در حدود ۱۰۲ میلیارد ریال می‌باشد (۱۰). به نظر می‌رسد که برای فعال شدن این بخش با توجه به فراوانی و تنوع معادن در استان، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت فراوانی دارد، چرا که به این وسیله می‌توان علاوه بر تأمین سرمایه مورد نیاز، فن‌آوری پیشرفته و شیوه‌های جدید مدیریت را نیز به داخل کشور انتقال داد.

بخش کشاورزی

تجربه کشورهای توسعه یافته مبین آن است که سهم بخش کشاورزی از GNP (تولید ناخالص ملی) و اشتغال، در فرآیند توسعه، کاهش چشمگیری یافته است؛ به نحوی که اکنون سهم این بخش در این کشورها از کل اشتغال بیشتر از ۱۸٪ نیست. نگاهی به روند تغییرات ایجاد شده در مورد سهم این بخش از اشتغال در ایران نیز مؤید این مطلب می‌باشد. سهم کشاورزی از اشتغال که در سال ۱۳۵۵ حدود ۴۷٪ بود در سال ۱۳۷۵ به ۲۳٪ رسیده است. به طور کلی مطالعه نشان داد که بر اساس مدل، بخش کشاورزی در حوزه تحت پوشش سازمان کشاورزی خراسان به صورت بهینه می‌تواند حدود ۴۲۹۴۸ شغل با هزینه‌ای در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال ایجاد کند. مشاغل ممکن در این بخش می‌تواند در زیربخشهایی مانند باغبانی با ۱۳۶۷۰ شغل، زراعت ۷۰۰۰ شغل، آب و خاک ۹۳۰۰ شغل، مکانیزاسیون و نظامهای بهره‌برداری ۲۸۶۰۰ شغل، ایجاد شود. مسلماً بخش کشاورزی در استان خراسان از اهمیت بسیار گسترده‌ای برخوردار است و چنان که مطالعات انجام شده نشان

می‌دهد، اگر از الگوی کشت بهینه استفاده شود و به محصولات باغی و محصولات خاصی مانند زرشک، زعفران و زیره که جنبه صادراتی دارند توجه بیشتری معطوف شود و صنایع بسته‌بندی ویژه آنها ایجاد گردد، امکان بالقوه بخش کشاورزی برای ایجاد اشتغال در استان خیلی بیشتر خواهد بود (۷). البته مشاغل ایجاد شده باید به گونه‌ای باشند که با آموزش و استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری، کشاورزی، استفاده از سردخانه، ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی و بهره‌وری در بخش کشاورزی ارتقا یافته و با تمهیدات خاصی صادرات محصولات خاص کشاورزی نیز افزایش یابد.

فعالیت‌های تحت پوشش جهاد سازندگی (۱۱)

زیربخش‌های دیگری مانند دامپروری، شیلات و صنایع روستایی در بخش کشاورزی کشور قبلاً زیر پوشش جهاد سازندگی بوده‌اند که زمینه‌های بسیار مهمی برای ایجاد اشتغال به ویژه در سطح روستاها به منظور جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها به شمار می‌آمدند. بر اساس مدل اشتغال در پنج سال آینده می‌توان حدود ۶۱۰۰۰ شغل در این مجموعه ایجاد کرد که با متوسط هزینه برای ایجاد هر شغل ۱۱/۸ میلیون ریال نسبتاً ارزان می‌باشد. همان‌گونه که در بخش کشاورزی ذکر شد به مشاغل این بخش نیز باید به عنوان زمینه ایجاد ظرفیت‌های جدید نگریست که محصولات آنها باعث کاهش واردات شوند و یا موجبات توسعه صادرات را فراهم آورند، در غیر این صورت اگرچه ممکن است بتوانند در کوتاه مدت مسأله اشتغال را حل کنند، اما در دراز مدت به علت عدم قدرت رقابت با محصولات مشابه جهانی، نتوانند استمرار پیدا کنند و به علت ورشکستگی واحدها، این مشاغل نیز از دست برود.

صنایع دستی (۱۲)

صنایع دستی یکی از اشتغال‌زاترین فعالیتها در سطح استان است، به طوری که تاکنون برای ۵۵۰/۱۰۰۰ نفر (که بیش از ۸۰٪ آنها را روستاییان تشکیل می‌دهند) ایجاد اشتغال کرده‌اند. عدم وابستگی آنها از نظر تامین مواد اولیه به خارج، ایجاد ارزش افزوده بالا، ارتباط با صنعت گردشگری به ویژه در شهر مشهد به عنوان دومین کلان شهر مذهبی دنیا و جلوگیری از مهاجرت، از جمله مزیت‌های این بخش می‌باشد. در مدل بر اساس یافته‌های محققان گروه صنایع دستی، رقم ۱۲۰۰۰۰ شغل پیش‌بینی شده که با توجه به ارزان بودن ایجاد هر شغل و در صورت

رونق صنعت گردش‌گری که منجر به افزایش صادرات صنایع دستی خواهد شد، مشاغل ایجاد شده می‌تواند مطلوبیت بیشتری پیدا کنند. علاوه بر آن علمی کردن شیوه‌های تولید، بهبود مدیریت، کیفیت تولیدات و بازاریابی مناسب راهکارهای پیشنهادی تحقیق برای بهبود کیفیت مشاغل این بخش می‌باشند. رونق صنعت گردش‌گری برای افزایش صادرات محصولات این بخش حیاتی اهمیت حیاتی دارد، چرا که در آن صورت مشاغل ایجاد شده در این بخش پایدارتر شده و باعث افزایش صادرات غیر نفتی خواهند شد.

بخش صنعت (۱۳)

صنعت از بخشهای بسیار مهم اقتصاد در هر کشوری است. بنابراین توجه به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در استان خراسان متأسفانه صنایع بزرگ مانند ذوب آهن و خودروسازی که در جهت افزایش مشاغل صنعتی مهم می‌باشند گسترش نیافته، لذا ایجاد اشتغال در این بخش به منظور صنعتی شدن بیشتر استان اولویت دارد. طبق آماري که گروه صنایع در این تحقیق استخراج کرده‌اند، در صورت ایجاد تمهیداتی به منظور به مرحله بهره‌برداری رسیدن واحدهای صنعتی استان که بیش از ۴۰٪ پیشرفت کار دارند، امکان ایجاد حدود ۴۷ هزار شغل در پنج سال آینده در استان وجود خواهد داشت. سرمایه مورد نیاز برای تحقق این مهم حدود ۲۶۰۳ میلیارد ریال است. با توجه به این که برای رساندن به مرحله ۴۰٪ پیشرفت فیزیکی این واحدها سرمایه‌های زیادی هزینه شده، لذا با بررسی تقاضای داخلی و خارجی برای محصولات آنها و رفع موانعی که باعث نیمه تمام ماندن آنها شده است، می‌توان با سرعت بیشتری آنها را به مرحله بهره‌برداری رساند و مشاغل جدیدی در این بخش ایجاد نمود. ضمن آن که در بررسیها مشخص شد که تعداد زیادی از واحدهای موجود زیر ظرفیت اسمی خود کار می‌کنند و در صورت تأمین نقدینگی و کشش بازار می‌توان از ظرفیت کامل این واحدها برای افزایش اشتغال بدون نیاز به سرمایه‌گذاری جدید استفاده کرد. استان خراسان قطب صنایع غذایی در کشور است. این وضعیت اهمیت زیادی دارد، زیرا به علت پیوندهای قوی متقابل (Forward and backward linkages) بخش صنعت با بخش کشاورزی و دامپروری، می‌توان موجبات اتکای بیشتر بخشهای اقتصادی به یکدیگر را فراهم نموده و باعث کاهش وابستگی اقتصادی شد.

بخش خدمات (۱۴)

در استان خراسان به علت جاذبه‌های زیارتی و سیاحتی و شرایط خاص ترانزیتی آن و به دلیل همجواری با کشورهای دیگر، بخش خدمات اعم از گردش‌گری، بازرگانی، حمل و نقل و ارتباطات، بیمه و بانک‌داری، از اهمیت بیشتری برخوردار است. اصولاً گسترش بخش خدمات اگر به علت کشش تقاضا و برخاسته از نیازها باشد و نه فشار عرضه، نشانه توسعه یافتگی یک کشور است، چنان‌که در کشورهای توسعه یافته بخش خدمات بیش از ۷۰٪ اشتغال را به خود تخصیص داده است. نکته مهم آن است که در این کشورها به علت نیازهایی که در اثر توسعه بخش صنعت و کشاورزی ایجاد شده، نیاز به خدماتی مانند بازاریابی، بازرگانی بین‌المللی، حمل و نقل، بیمه، تأمین مالی و بورس سهام و کالا و ارتباطات احساس شده و این بخش گسترش یافته است. به عبارت دیگر گسترش بخش خدمات در این کشورها بر اساس نیاز و در جهت تسهیل امور و افزایش رفاه و مطلوبیت بیشتر صورت گرفته است. اما متأسفانه در کشورهای در حال توسعه، گسترش بخش خدمات عمدتاً به علت فشار عرضه نیروی کار صورت می‌گیرد، بنابراین بیشتر به طرف دلالتی و واسطه‌گری و خرده‌فروشی سوق داده می‌شود، که اغلب نیز تورم‌زا و نامطلوب می‌باشد. پژوهش نشان داد که در استان خراسان به علت شرایط ویژه موجود امکان ایجاد بیش از ۱۰۵ هزار شغل در آینده در بخشهای مختلف وجود دارد. اما مهم آن است که با مطالعه علمی و برنامه‌ریزی صحیح باید فعالیتهای خدماتی به بخشهای مورد نیازی که باعث رشد اقتصادی و افزایش رفاه می‌باشد، سوق داده شوند.

نتیجه‌گیری

نهایتاً نتایج پژوهش نشان داد که با توجه به شرایط موجود، امکان ایجاد سالانه ۷۰ هزار شغل، که مشکل بیکاری را در استان به طور جدی برطرف می‌نماید، وجود دارد. تحقق این مهم نیازمند تحولی اساسی در تصمیم‌گیریهای اقتصادی و اهمیت دادن به اشتغال، در مقابل سایر اهداف اقتصادی مانند کنترل تورم و غیره است. پرورش افراد به عنوان کارآفرین به جای کارجو از سنین کودکی و بسترسازی مناسب برای هموار نمودن فعالیتهای بخش خصوصی و کارآفرینان بسیار مهم است. با توجه به این که در سالهای گذشته در بهترین وضعیت بیش از ۴۰ تا ۵۰ هزار شغل در خراسان ایجاد نگردیده است، نتایج تحقیق ضمن نشان دادن امکان‌پذیری ایجاد ۳۵۰ هزار شغل

طی ۵ سال آینده، اهمیت تخصیص بهینه منابع، بسترسازی و سیاست‌گذاری مناسب جهت ایجاد اشتغال را بیش از پیش نمایان می‌کند. گسترده‌تر نمودن بخش خدمات، مانند گسترش صنعت بیمه و بخش خدمات مالی و بازار سرمایه و توجه خاص به صنعت گردش‌گری نیز از اهمیت ویژه‌ای در سیاستهای اشتغالزایی استان برخوردارند.

فهرست منابع

- ۱- شولتز، ت. تالیف و ترجمه دکتر محمد متوسلی، (۱۳۷۸) سرمایه گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی.
- ۲- مهدوی عادل، م. ح.، (۱۳۷۸) خصوصی سازی، دلایل، اهداف و روشها - سمینار مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - بانک مرکزی.
- ۳- عبده تبریزی، ح.، (۱۳۷۷) مشارکت اقتصادی مردم و تشکیل سرمایه - موسسه تحقیقات پولی بانکی - بانک مرکزی.
- ۴- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، پیش بینی وضعیت صادرات غیر نفتی کشور، ۱۳۷۷.
- ۵- مجاور حسینی، ف.، سرمایه گذاری، بهره‌وری و رشد اقتصادی در ایران و ۵۷ کشور جهان، مجموعه مقالات نهمین سمینار پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۷۸.
- ۶- مجاور حسینی، ف.، همان منبع.
- ۷- مهدوی عادل، م. ح.، (۱۳۷۷) فرآیند توسعه در عصر فراصنعتی، مجموعه مقالات کنفرانسهای ماهانه موسسه تحقیقات پولی و بانکی بانک مرکزی.
- ۸- مهدوی عادل، م. ح. و همکاران (۱۳۷۸) طرح اشتغالهای مولد و زودبازده.
- ۹- اداره کل معادن و فلزات استان خراسان، طرح اشتغالهای مولد و زودبازده ۱۳۷۸.
- ۱۰- سازمان کشاورزی استان خراسان، طرح اشتغالهای مولد و زودبازده ۱۳۷۸.
- ۱۱- سازمان جهاد سازندگی استان خراسان، طرح اشتغالهای مولد و زودبازده ۱۳۷۸.
- ۱۲- سازمان صنایع دستی استان خراسان، طرح اشتغالهای مولد و زودبازده (۱۳۷۸).
- ۱۳- اداره کل صنایع، طرح اشتغالهای مولد و زودبازده ۱۳۷۸.
- ۱۴- اداره کل ارشاد و سازمان حمل و نقل خراسان، طرح اشتغالهای مولد و زودبازده ۱۳۷۸.
- 15- Branson W. A. "Macroeconomics Theory and policy."
- 16- Todaro, M., Economic Development
- 17- Lau, J. and F. Jamison (1990) Education and productivity in Developing countries: An Aggregate production Function Approach: Stanford working papers.
- 18- Levin, A and Raut (1997)- "Complementarities between Exports and Human capital in Economic Evidence. From Semi industrialized countries", Economic Development and cultural change.
- 19- Myrdal/G. (1969) "The Adian Drama".